Payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۹۸۴
چهارشنبه / ۲۳ اردیبهشت / ۱۴۰۵
۲۵ / ذوالقعده / ۱۴۴۷
13 / May / 2026

صاحب‌امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۲۸-۳۲۵۳۴۳۴۳-۰۲۶-۳۲۵۴۰۰۱۰ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷۱۸۰
چاپ: کارگر

فال ۲۴۴ امروز با حافظ

دلا مباش چنین هرزه گرد و هرجایی
که هیچ کار ز پیشت بدین هنر نرود
مکن به چشم حقارت نگاه در من مست
که آبروی شریعت بدین قدر نرود

طرفه

عمر که بی عشق رفت
هیچ حسابش مگیر
آب حیاتست عشق در
دل و جانش پذیر

مولانا

فال کرج — اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۲۴	۰۵:۰۲	۱۲:۰۲	۱۹:۰۴	۱۹:۲۴

برگه

انسان‌ها بیش از هرچیز دیگر، از اندیشیدن وحشت دارند، بیش از فقر، حتی بیش از مرگ. «اندیشه» انقلاب می‌کند...

برتراند راسل

گزارش روز

تنگه هرمز جز عوارض عبور، آورده دیگری هم برای اقتصاد دارد؟

برخی تحلیل‌ها تلاش می‌کنند موضوع تنگه هرمز را صرفا به درآمد احتمالی ایران از محل دریافت عوارض عبور کشتی‌ها محدود کنند. اما واقعیت این است که اهمیت تنگه هرمز برای ایران بسیار فراتر از مسئله عوارض یا درآمد مستقیم عبور کشتی‌ها و یک اهرم قدرتمند دربرابر تحریم‌هاست.

به گزارش پیام آشنا به نقل از همشهری، بسته شدن یا حتی محدودسازی تردد در این شاهراه انرژی می‌تواند نظم تجارت انرژی، مسیرهای ترانزیتی، نظام ارزی و موازنه قدرت اقتصادی منطقه را دستخوش تغییر کند؛ تغییری که در بسیاری از ابعاد، ظرفیت ایجاد فرصت‌های اقتصادی و سیاسی برای ایران را دارد.

کنترل تنگه هرمز را نباید صرفا از زاویه درآمدهای مستقیم تحلیل کرد. ارزش واقعی این ابزار در آن است که می‌تواند معادلات تحریم را تغییر دهد، هزینه فشار اقتصادی علیه ایران را بالا ببرد، بازار جهانی انرژی را تحت‌تأثیر قرار دهد و قدرت چانه‌زنی ایران را افزایش دهد. به همین دلیل، تنگه هرمز برای ایران فقط یک شاهراه دریایی نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین ابزارهای راهبردی در مقابله اقتصادی و سیاسی با تحریم‌هاست.

۱- دریافت عوارض تردد

یکی از ابتدایی‌ترین مزیت‌های کنترل تنگه هرمز امکان دریافت عوارض عبور است. برآوردها نشان می‌دهد ایران می‌تواند از طریق وضع عوارض در تنگه هرمز سالانه چند ۱۰ میلیارد دلار درآمد مستقیم به‌دست بیاورد که البته این فقط بخشی از ماجراست و منافع غیرمستقیم تنگه هرمز فراتر از عواید مستقیم آن است.

۲- افزایش قیمت نفت

مهم‌ترین اثر اقتصادی بحران در هرمز، جهش قیمت جهانی نفت است، حتی احتمال ناامنی در این منطقه، معمولا باعث افزایش شدید قیمت نفت می‌شود و این مسئله می‌تواند درآمد ارزی ایران را افزایش دهد، ارزش صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی را بالا ببرد، قدرت بازارسازی ایران را تقویت کند و حتی فرصت‌های بیشتری برای ایجاد تعادل در قیمت ارز به ایران بدهد، چرا که میزان منابع ورودی ارز به کشور افزایش پیدا می‌کند و این دلارهای جدید می‌تواند قدرت دولت را برای کنترل ارز بیشتر کند.

۳- افزایش صادرات نفت ایران

یکی از مهم‌ترین پیامدهای بحران انرژی تغییر اولویت کشورهای جهان از تحریم به تأمین انرژی است. در شرایط عادی تحریم‌کنندگان تلاش می‌کنند مسیر فروش نفت ایران را کنترل کنند اما وقتی بازار جهانی دچار شوک شود بازار خاکستری نفت گسترش پیدا می‌کند، فروش واسطه‌ای و تهاتری افزایش می‌یابد، رهگیری محموله‌های نفتی دشوارتر می‌شود و خریداران انعطاف بیشتری پیدا می‌کنند. به همین دلیل، بحران در هرمز می‌تواند عملا ظرفیت صادرات نفت ایران را افزایش دهد.

۴- شکل‌گیری کریدورهای جدید تجاری و تضعیف نقش امارات

هرگونه محدودیت در تنگه هرمز می‌تواند مسیرهای تجاری جدیدی مانند کریدور ایران ـ پاکستان، کریدور ایران ـ عمان، کریدور چین ـ آسیای مرکزی ـ ایران، مسیر هند ـ ایران ـ روسیه و مسیرهای ترانزیتی شرق ایران را توسعه دهد. این مسئله می‌تواند بخشی از نقش سنتی امارات در تجارت منطقه را تضعیف و موقعیت ایران را در تجارت دریایی و زمینی تقویت کند. در چنین شرایطی ایران می‌تواند درآمدهای قابل توجهی از ترانزیت کالا، خدمات بندری، لجستیک، حمل‌ونقل دریایی و صادرات مجدد به‌دست بیاورد.

۵- افزایش قدرت چانه‌زنی اقتصادی و سیاسی ایران

تنگه هرمز مهم‌ترین اهرم ژئوپلیتیکی ایران در برابر اقتصاد جهانی است. کشوری که بتواند بر شاهراه انرژی جهان اثر بگذارد می‌تواند فشار تحریمی را متوازن کند، هزینه فشار اقتصادی علیه ایران را افزایش دهد، قدرت چانه‌زنی‌اش را در مذاکرات بین‌المللی تقویت کند، در معادلات انرژی حذف‌شدنی نباشد، در تجارت منطقه‌ای نقش کلیدی پیدا کند، سرمایه‌گذار خارجی جذب و حتی نظم جدیدی در اقتصاد منطقه ایجاد کند. به همین دلیل، تنگه هرمز فقط یک مسیر عبور کشتی نیست، بلکه یک ابزار چندلایه است که می‌تواند همزمان بر نفت، تجارت، ترانزیت، انرژی، تحریم و معادلات قدرت جهانی اثر بگذارد.

۶- دور زدن و فرسایش تحریم‌ها

شاید مهم‌ترین ویژگی راهبردی تنگه هرمز نقش آن در مقابله با تحریم‌ها باشد. تحریم‌ها زمانی مؤثرند که بازار جهانی در وضعیت عادی باشد. اما بحران انرژی معمولا باعث تغییر اولویت کشورها می‌شود. در شرایط بحران انرژی اولویت جهان از تحریم به امنیت انرژی تغییر می‌کند، اجرای تحریم‌ها دشوارتر می‌شود، شبکه‌های مالی و تجاری غیررسمی فعال‌تر می‌شوند، کشورهای بیشتری به همکاری اقتصادی پنهان با ایران تمایل پیدا می‌کنند و صادرات پنهان نفت آسان‌تر می‌شود. در واقع، کنترل تنگه هرمز می‌تواند بخشی از ساختار تحریم‌ها را بی‌اثر کند. به همین دلیل، تنگه هرمز برای ایران صرفا یک مسیر دریایی نیست، بلکه ابزاری برای مقابله اقتصادی با تحریم است.

۷- تضعیف پترو دلار و تقویت ارزهای جایگزین

یکی دیگر از پیامدهای بالقوه کنترل تنگه هرمز، تضعیف تدریجی سلطه پترو دلار در تجارت انرژی است. وقتی بازار جهانی انرژی دچار بی‌ثباتی می‌شود کشورها به سمت تجارت با ارزهای محلی مانند یوان حرکت می‌کنند و تهاتر کالا گسترش پیدا می‌کند. همچنین پیمان‌های پولی منطقه‌ای تقویت می‌شود. این مسئله می‌تواند به‌تدریج وابستگی تجارت انرژی به دلار (پترو دلار) را کاهش دهد و فضای بیشتری برای نظام‌های مالی جایگزین ایجاد کند.

۸- جهش درآمدهای بیمه، خدمات دریایی و عوارض عبور

در شرایط ناامنی یا محدودیت در هرمز، هزینه بیمه نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری به‌شدت افزایش می‌یابد. این موضوع باعث شکل‌گیری یک بازار چند میلیارد دلاری در حوزه بیمه دریایی، امنیت کشتی‌ها، خدمات بندری، سوخت‌رسانی، تعمیرات و لجستیک دریایی می‌شود.

ایران به‌دلیل تسلط جغرافیایی بر بخش شمالی تنگه می‌تواند به بازیگر تعیین‌کننده در این خدمات تبدیل شود و درآمدهای اقتصادی‌اش را افزایش دهد.

۹. افزایش اهمیت سواحل مکران

در سال‌های اخیر ایران تلاش کرده بخشی از صادرات نفت خود را به سواحل دریای عمان و بندر جاسک منتقل کند تا وابستگی‌اش به تنگه هرمز کاهش یابد.

اگر محدودیت در هرمز رخ دهد پروژه‌های مرتبط با سواحل مکران و خطوط انتقال نفت به جاسک اهمیت دوچندان پیدا می‌کنند. این موضوع می‌تواند توسعه شرق و جنوب شرق ایران را تسریع کند؛ سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی را افزایش دهد، موقعیت ایران در تجارت دریایی اقیانوس هند را تقویت کند و منجر به توسعه انفجاری بنادر جنوبی ایران از جمله چابهار و جاسک شود.

تحت‌تأثیر توسعه بنادر جنوبی از جمله چابهار سرعت گسترش شرق کشور افزایش می‌یابد و این بنادر می‌توانند به مراکز ترانزیت کالا، صادرات مجدد، ذخیره‌سازی انرژی، گسترش صنایع پتروشیمی و لجستیک منطقه‌ای تبدیل شوند.

۱۰. افزایش هزینه رقبا و کشورهای رقیب منطقه‌ای

محدود شدن تردد در هرمز بیش از همه به اقتصاد کشورهای عربی صادرکننده نفت آسیب می‌زند؛ کشورهایی که بخش عمده درآمدشان وابسته به صادرات انرژی از همین مسیر است.

افزایش هزینه بیمه نفتکش‌ها، کاهش امنیت صادرات، اختلال در زنجیره لجستیک و افزایش هزینه حمل‌ونقل می‌تواند میلیاردها دلار هزینه اضافی بر رقبای منطقه‌ای ایران تحمیل کند.

از منظر اقتصادی این وضعیت نوعی اهرم فشار متقابل برای ایران محسوب می‌شود، به‌ویژه در شرایطی که تهران سال‌ها تحت فشار تحریم‌های شدید نفتی بوده است.

اشاره

ماجرای پلاکاردها علیه اعضای تیم مذاکره در تجمعات شبانه چیست؟

حسن رسولی با اشاره به توهین ها نسبت به اعضای تیم مذاکره کننده در تجمعات شبانه گفت: بنده شخصاً شاهد بودم که پلاکاردهایی با عناوین نامطلوب علیه رئیس مجلس، وزیر خارجه، و حتی مسئولان ارشد سابق کشور مانند آقای روحانی و آقای دکتر ظریف مطرح شده است؛ صحنه‌هایی که از شکوه و زیبایی این اجتماعات می‌کاهد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از خبرآنلاین، حسن رسولی -نایب‌رئیس جبهه اصلاحات ایران- با اشاره به برخی شعارها و اقدامات علیه تیم مذاکره کننده ایران گفت: با این حال، به منظور کاستن از برخی نارسایی‌ها و افزایش اثربخشی این پایداری و مقاومت عمومی، به نظر می‌رسد به صحنه‌گردانان این تجمعات که عمدتاً از نظر سیاسی در طیفی از جریان اصولگرا قرار دارند-به‌ویژه در سرودن اشعار و طراحی شعارها که به برخی مداحان واگذار شده است-باید پیشنهاد شود که به‌گونه‌ای از این صحنه‌های زیبا بهره‌برداری و صحنه‌آرایی شود که نه‌تنها نیش و کنایه‌ای متوجه مسئولان ارشد کشور، به‌ویژه تیم مذاکره‌کننده و سایر شخصیت‌های ملی نشود؛ چرا که این نوع رفتارها به وحدت و انسجام ملی لطمه می‌زند و از کارآمدی این مقاومت عمومی می‌کاهد.

وی افزود: در این مسیر، بنده شخصاً شاهد بودم که پلاکاردهایی با عناوین نامطلوب علیه رئیس مجلس، وزیر خارجه، و حتی مسئولان ارشد سابق کشور مانند آقای روحانی و آقای دکتر ظریف مطرح شده است؛ صحنه‌هایی که از شکوه و زیبایی این اجتماعات می‌کاهد.

نایب‌رئیس جبهه اصلاحات ایران با اشاره به همین موضوع بیان کرد: پیشنهاد می‌کنم کارشناسانی از دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، وزارت کشور، وزارت اطلاعات، اطلاعات سپاه، فراجا و سایر اندیشکده‌هایی که می‌توانند مهندسی و بهسازی نظری این فضا را تقویت کنند، وارد عمل شوند و نسبت به توجیه برخی که ممکن است فاقد دانش و فهم سیاسی لازم در گستره منافع ملی باشند اقدام کنند تا بر فایده‌مندی این اجتماعات افزوده شود و از آثار مخرب احتمالی بر انسجام ملی کاسته گردد.

برش

ماجرای دوقلوهایی که «انگشت نگاری» را مدیون آنها هستیم!

ماجرای عجیب ویل وست و ویلیام وست در سال ۱۹۰۳ ثابت کرد که اندازه گیری بدن برای شناسایی کافی نیست. داستانی واقعی که باعث رسمیت یافتن انگشت نگاری در جهان شد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از عصر ایران، در اوایل دهه ۱۹۰۰، روش انگشت نگاری کم کم به عنوان جایگزینی برای سیستم «برتیونژ» مطرح شد.

برتیونژ روشی بود که مجرمان را با اندازه گیری دقیق اعضای بدن شناسایی می کرد. یکی از مهم ترین اتفاقات در تاریخ این رقابت، سال ۱۹۰۳ در زندان لیون ورث کانزاس رخ داد؛ پرونده ای که بعدها با نام «ویل وست و ویلیام وست» شناخته شد.

در آن سال، زندانی جدیدی به نام ویل وست وارد زندان شد. ماموران طبق روال همیشگی، مشخصات ظاهری و اندازه های بدنی او را ثبت کردند. اما نتیجه عجیب بود؛ اطلاعات او تقریبا به طور کامل با پرونده زندانی دیگری به نام ویلیام وست مطابقت داشت که از قبل در همان زندان حضور داشت. طبق روال معمول، ماموران زندان شروع به ثبت مشخصات او کردند: عکاسی، ثبت ویژگی های ظاهری و انجام ۱۱ اندازه گیری دقیق بدنی بر اساس سیستم مشهور آن زمان یعنی «برتیونژ».

شباهت این دو نفر فقط در نامشان نبود. گزارش های آن دوره نشان می دهند چهره و ابعاد بدنی آن ها نیز بسیار شبیه به هم بود. همین موضوع باعث شد ماموران زندان ابتدا تصور کنند با یک نفر روبرو هستند که از دو هویت مختلف استفاده کرده است.

در آن زمان، سیستم برتیونژ یکی از پیشرفته ترین روش های شناسایی مجرمان در جهان به حساب می آمد. با این حال، پرونده وست ها نشان داد که حتی دقیق ترین اندازه گیری های فیزیکی هم همیشه قابل اعتماد نیستند و ممکن است دو فرد متفاوت را یکسان تشخیص دهند.

در همان سال هل زندان لیون ورث استفاده آزمایشی از انگشت نگاری را آغاز کرده بود. زمانی که اثر انگشت های ویل وست و ویلیام وست با هم مقایسه شد، ماجرا خیلی سریع روشن شد؛ اثر انگشت های آن ها هیچ شباهتی به هم نداشت، با وجود شباهت ظاهری و اندازه های تقریبا یکسان. این دو نفر قطعا افراد متفاوتی بودند.

تا آن روز، سیستم «برتیونژ» (Bertillonage) که بر پایه اندازه گیری استخوان ها بود، به عنوان دقیق ترین روش علمی جهان شناخته می شد. اما پرونده دو «وست» ثابت کرد که سه روش شناسایی (نام، عکس و ابعاد بدن) می توانند به سادگی دچار خطا شوند.

سال ها بعد، برخی گزارش ها مطرح کردند که شاید آن ها با یکدیگر نسبت خانوادگی داشته اند و حتی ممکن است دوقلوی همسان بوده باشند، هرچند هیچ مدرک قطعی برای اثبات این موضوع پیدا نشد. اما این پرونده یک نکته مهم را ثابت کرد: حتی دوقلوهای همسان هم اثر انگشت یکسان ندارند.

بعد از این ماجرا، زندان ها و اداره های پلیس در امریکا با سرعت بیشتری استفاده از انگشت نگاری را گسترش دادند. امروزه بسیاری از پژوهشگران این پرونده را یکی از مهم ترین دلایل کنار گذاشته شدن سیستم برتیونژ و تبدیل شدن انگشت نگاری به روش اصلی شناسایی مجرمان می دانند.

سرنوشت این دو نفر پس از این ماجرای علمی نیز جالب بود: ویل وست (مرد دوم)، دوران محکومیت خود را به جرم قتل غیرعمد تمام کرد و پس از آزادی، هیچ ردی از خود در تاریخ به جا نگذاشت.

ویلیام وست (زندانی ابد): که سابقه درگیری در زندان را داشت، در سال ۱۹۱۶ به یک زندانی مورد اعتماد تبدیل شد. اما یک روز وسوسه شد و از زندان پیاده فرار کرد! او با قطار باری تا نویکارفت، اما فردای آن روز دستگیر شد. طنز ماجرا اینجاست که پلیس برای شناسایی او دیگر نیازی به انگشت نگاری نداشت؛ عکس های او که قبلا باعث تحول علم شده بود، حالا روی پوسترهای تعقیب منتشر شده و به دست همه رسیده بود.

چرا این پرونده جهان را تغییر داد؟

امروز که ما از اثر انگشت برای باز کردن گوشی یا عبور از گیت های امنیتی استفاده می کنیم، مدیون بحرانی هستیم که این دو برادر (یا همزاد) در سال ۱۹۰۳ ایجاد کردند. آن ها به دنیا نشان دادند که در سیستم عدالت، «ظاهر» می تواند فریبنده باشد، اما خطوط سرانگشتان هرگز دروغ نمی گویند.